

انتظار؛ انتظار!

❁ «امید، چراغ پرفروغ زندگی است .
❁ تأثیر «انتظار» حکومت حق و عدالت در زندگی ما.
❁ يك مکتب عالی تربیتی برای همه .

برخلاف آنچه بعضی تصور میکنند و برخلاف پاره‌ای از تبلیغات مفرضانه که از تعصب یا عدم اطلاع سرچشمه میگیرد ، عقیده به قیام مهدی ، یعنی همان کسیکه پرچم انقلاب و ادراستاسرکره زمین بر میافرازد و دنیا را بسوی يك حکومت عادل جهانی رهبری میکند ، منحصر به «شیعه» نیست .

تمام فرق اسلامی بچنین شخص و چنین قیامی عقیده دارند ، حتی اسم و بسیاری از مشخصات او ، و انقلاب اصلاحی او ، مورد اتفاق عموم مسلمانان است ، اگر گفتگو و اختلافی باشد در جزئیات مطلب است . منتها جمعیت «شیعه» اهمیت بیشتری برای این موضوع قائل است و آنرا جزو ارکان مذهب خود می‌شمارد . و خواهیم دید یکی از عواملی که مذهب شیعه را بصورت يك مذهب زنده و مترقی نگاه میدارد همین موضوع است .

نکته جالب توجهی که لازم است در اینجا بدان اشاره شود اینست که در بیانات مختلفی که از پیشوایان بزرگ دین ما رسیده تأکیده‌های فراوانی درباره لزوم انتظار چنین کسی و چنین قیام و انقلابی دیده میشود تا آنجا که امیر مؤمنان علی علیه السلام میفرماید : **المنتظر لامرنا کالمشحط بدمه فی سبیل الله !** : «کسیکه در انتظار امر ما (قیام مهدی) بوده باشد مانند سرباز مجاهدی است که در راه خدا بخون خود آغشته باشد» .

و از پیامبر اسلام (ص) نقل شده که فرمود : « بهترین اعمال پیروان من انتظار فرج از خداست» (این حدیث يك مفهوم کلی دارد که انتظار قیام مهدی نمونه کامل آنست) .

ممکن است اهمیت فوق‌العاده‌ای که پیشوایان ما برای این موضوع قائل شده اند برای

بعضی عجیب و باور نکردنی جلوه کند ؛ درحالی که اگر درست در این باره فکر کنیم و تأثیر عمیق امید و انتظار چنین حکومت و انقلابی را در زندگی فردی و اجتماعی خود بررسی نمایم هیچ تعجب نخواهیم کرد ، اکنون اجازه بدهید کمی این موضوع را تجزیه و تحلیل کنیم .

«امید» چراغ پرفروغ زندگی است

بطور کلی «امید و یأس» دو عامل مؤثر «سعادت» و «بدبختی» انسان است ، امید نشانه حیات ، زندگی ، نشاط ؛ موفقیت ؛ و پیروزی است ، و یأس پیشقراول مرگ و افسردگی و شکست و ناکامی میباشد . انسان تا امیدوار است زنده است ، هنگامیکه غبار یأس بردار و نشست باید او را در شمار مردگان دانست ! .

انسان تا آن لحظه ای که امید دارد بقیه صدم میرسد دائماً در تکاپو و تلاش و کوشش است ، همینکه چراغ امید در دل او خاموش شد جنب و جوش او هم خاموش میگردد .

اگر «باغبان» در سرمای سخت زمستان و آفتاب سوزان تابستان اینهمه زحمت میکشد تا بامدگل و میوه است ، اگر مادر اینهمه برای تربیت یک فرزند رنج میبرد ، بیخوابی میکشد ؛ انواع ناراحتیها را تحمل میکند ، با انبوهی از مشکلات میجنگد در سایه امید است ، او امیدوار است این کودک ناتوان در آینده جوانی نیرومند گردد و محیط زندگی او را با وجود خود نور و صفا بخشد . اگر یک جوان «محصل» برای کسب علم و دانش زحمات طاقت فرسائی بر خود هموار میکند ، اعصاب و مغز خود را فرسوده میسازد ، استراحت و آسایش را از خود سلب مینماید ، در آن هنگام که دیگران در خوابند او بیدار است و مشغول زحمت ، همه برای اینست که امید بزنگی درخشانتری در آینده دارد .

حدیث پر معنی و لطیفی در این زمینه از پیامبر اسلام (ص) نقل شده که نقش فوق العاده «امید» را در زندگی مجسم میسازد: «**الامل رحمة لامتی، ولولا الامل مارضعت والدة ولدها ولا غرس غارس شجرة**» ! : «امید و آرزو یک رحمت الهی است ، اگر امید و آرزو نبود هرگز مادری کودک خود را شیر نمیداد و باغبانی درختی نمی کاشت» ! .

«سبازی» که قدم بمیدان جنگ میگذارد اگر امید به پیروزی نداشته باشد مسلماً شکست میخورد ، هر قدر قوی و مجهز باشد ، «طبيب» تا آرزو برای نجات بیمار از جنگال مرگ می کوشد که امید به بهبودی او داشته باشد ، آن روز که مایوس شد و پیرا در برابر خطر تنها می گذارد .

خلاصه هر گونه جنبش و حرکتی در اجتماع انسانی دیده میشود همه در پرتو نور امید است یأس مایه بدبختی ، مایه فقر و پریشانی ، و مایه خودکشی و انتحار میباشد .

در اسلام نومی‌دی و یأس از رحمت خدا یکی از بزرگترین گناهان محسوب میشود؛ چرا ؟ دلیل آن روشن است : شخصی که از رحمت خدا مأیوس شد از فرق تا قدم در گناه غرق میشود، و منطقی هم اینست : ما که آب از سرمان گذشته چه یک قامت چه صد قامت ! ، ما که اهل دوزخ و عذابیم دیگر چه لزومی دارد که هوسهای سرکش خود را محدود کنیم و از گناه پرهیزیم . اما همین شخص اگر امیدوار بود میگوید : نه ، هنوز آب از سر نگذشته است ، باید هر چه زودتر بفکر اصلاح افتاد و آثار گناه را از دامن شست ، همین امید وسیله نجات و اصلاح اومی‌شود ، و او را بسوی سعادت و نیکبختی رهبری میکند .

مخصوصاً در مبارزه با فساد و اصلاحات اجتماعی ، امید شرط اول موفقیت و پیروزی است . هنگامیکه فساد محیطی را فرا گرفت ، افرادی که در آن محیط زندگی میکنند اگر در برابر سیل فساد خود باختگی پیدا کنند و از اصلاحات مأیوس شوند فوراً هم رنگ محیط میشوند و عقیده پیدا میکنند که دیگر کار از کار گذشته و اصلاح، يك امر محال است .

تأثیر انتظار حکومت حق و عدالت

با توجه بحقایق بالا نقش «امید» در زندگی انسان بطور کلی روشن میشود ، اما در خصوص قیام حضرت مهدی (ع) .

قیام ولی عصر (ع) يك قیام انقلابی است ، يك قیام اصلاحی ، يك جهش و حرکت سریع بسوی استقرار اصول عدالت در سرتاسر جوامع بشری است . امام زمان پرچمدار انقلابی است که تمام ملتهای جهان را در زیر يك پرچم ، يك حکومت ، و يك قانون قرار میدهد ، تمام جنگهای سرد و گرم که هر روز از يك گوشه جهان زیانه میکشد پایان میبخشد ، و تمام مرزهای جغرافیائی و نژادی و . . . را برمیچیند .

در بسیاری از احادیث که درباره قیام مهدی (ع) از پیشوایان اسلام رسیده روی این جمله تکیه شده است : **يَمَلَأُ اللَّهُ الْأَرْضَ بِعَدْلٍ وَعَدْلًا !** : صفحه زمین در سایه قیام او مملو از عدل و داد میشود ! .. ایمان بچنین شخصی و انتظار چنین حکومت حق و عدالتی چه تأثیری در روح و جان انسان دارد ؟ ناگفته پیداست .

مسلمان واقعی در سایه این عقیده هرگز در برابر توسعه فساد اجتماعی ، ظلم و بی‌داد - گری ؛ اختلافات و جنگها ؛ زانومیزند و از اصلاح عمومی جهان مأیوس نمیشود ، همین امید و انتظار او را در برابر مفاسد اجتماعی بیمه میکند ، و از خود باختگی و آلودگی نجات میبخشد . مسلمان با ایمان برخلاف آنچه «دیدنیها» تصور میکنند عاقبت جهان را به «شر» نمیداند و معتقد نیست که نسل بشر در آینده طی يك «جنگ خانمانسوز اتمی» نابود میشود بلکه معتقد است بشریت آینده درخشانی دارد و روزی فرامیرسد که در سایه قیام يك مرد آسمانی جهانی مملو از صلح ، عدالت ، علم و ایمان خواهد ساخت . ایمان بچنین آینده‌ای دل او را

همیشه زنده و آرام نگه میدارد .

اگر بعضی از ملت‌ها تنها بگذشته خود تکیه میکنند یک مسلمان واقعی علاوه بر گذشته پراختیار خود بر آینده روشن و درخشانش متکی است . اینست معنی يك ملت زنده و يك مذهب جاودانی .

پويك مکتب عالی تربیتی برای همه

فایده انتظار قیام مهدی (ع) تنها این نیست ، فایده دیگری مهمتر و پرازش تر از این نیز دارد ، این «انتظار» درحقیقت يك مکتب عالی تربیتی است ، چرا ؟ . . .

زیرا : هنگامیکه بما اطلاع دهند مهمان عزیز ما از سفر میرسد بلافاصله حالت انتظار بماندست میدهد ، این حالت انتظار در تمام شؤون زندگی ما اثر میگذارد . خانه را پاکیزه میکنیم ، وسائل پذیرائی را از هر نظر مرتب میسازیم ، دوستانمان را خبر میکنیم و آنچه درخور مقام آن میهمان عزیز است فراهم مینمائیم . اینهمه آثار انتظار است

هنگامیکه بما خبر دهند دشمن خطرناکی قصد حمله به مرزهای ما دارد فوراً فرمان آماده باش و بسیج عمومی صادر میگردد ، مرخصی افسران و سربازان لغو میشود و همه بسر بازخانه‌ها باز میگرددند ، جنب و جوش عجیبی در مراکز نظامی بچشم میخورد ، سلاحهای مختلف مهیا میگردد و يك حالت آمادگی مخصوص در همه جا پیدا میشود . اینها همه از آثار انتظار است . مسلمان با ایمانی که در انتظار قیام حضرت ولی عصر (ع) بسر میرد يك حالت آماده باش برای يك انقلاب اصلاحی پیدا میکند . چنین شخصی حتماً سلاح تقوی ؛ پاکدامنی ، عدالت ، راستی و درستی را آماده میسازد ، خود را از انواع آلودگیها پاک میکند .

مگر این مرد آسمانی برای چه هدفی قیام میکند ؟ برای بسط اصول عدالت ، چگونه ممکن است کسی در صف ظالمان و ستمگران باشد و باز ادعا کند در انتظار چنین قیامی بسر میرد؟ امام زمان (ع) تمام آثار شرك و بت پرستی و بیدادگری و نفاق و حق کشی و دروغ و تقلب را محو میکند من چگونه میتوانم خود را منتظر او بدانم در حالیکه آلوده این فجایع و گناهان باشم ؟

بنابراین ملاحظه میکنید اگر ما مسئله انتظار و امید بظهور چنین حکومتی را بمفهوم واقعی و حقیقی آن درك کنیم همین موضوع میتواند عالیترین وسیله تربیت ما شود ، بخصوص اینکه بماندستور داده اند شب که به بستر استراحت میروید در انتظار این باشید که صبح مقدمات چنین قیام و انقلابی شروع شود ، و باین ترتیب بما اجازه يك آن غفلت و سهل انگاری داده نشده است .

حالا عده ای از افراد بر اثر نداشتن رشد فکری مسئله انتظار قیام امام زمان (ع) را وسیله ای برای تنبلی ، بیحالی ، وادادگی ، فرار از زیر بار مسئولیتها ، و دستاویزی برای عدم انجام وظیفه قرار داده اند ، مطلب دیگری است ؛ ما از کدام حقیقت مقدس سوء استفاده نکردیم که از این نکنیم ؟ این گناه ماست ، نه گناه حقیقت ؛ لازم است این موضوع در مقاله جداگانه ای مشروحاً مورد بحث قرار گیرد .